



ایران در دوران معاصر

شوروی و فتنه جدایی آذربایجان از ایران

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۱ آذر ۱۳۹۳ - ۱۳ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

امروز به بحث جدایی آذربایجان ایران به دست شوروی و شکست خوردن شوروی و وطن فروشان از دست مردم ایران می پردازیم. ابتدا فرمان (کمیته‌ی مرکزی اتحاد جماهیر شوروی) به (دبیر کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست آذربایجان) درباره‌ی («اقدامات برای ایجاد جنبش تجزیه طلبی در آذربایجان جنوبی و دیگر استان‌های شمالی ایران») و سپس به دستورالعمل محرمانه‌ی شوروی در مورد انجام مأموریت ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی (!) و استان‌های شمالی ایران می پردازیم و بعد از این دو مبحث به معرفی فرقه دموکرات آذربایجان خواهیم پرداخت. -----

پارسیان دژ / ایران در دوران معاصر

امروز به بحث جدایی آذربایجان ایران به دست شوروی و شکست خوردن شوروی و وطن فروشان از دست مردم ایران می پردازیم.

ابتدا فرمان (کمیته‌ی مرکزی اتحاد جماهیر شوروی) به (دبیر کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست آذربایجان) درباره‌ی «اقدامات برای ایجاد جنبش تجزیه‌طلبی در آذربایجان جنوبی و دیگر استان‌های شمالی ایران»

و سپس به

دستورالعمل محرمانه‌ی شوروی در مورد انجام مأموریت ویژه

در سراسر آذربایجان جنوبی (!) و استان‌های شمالی ایران

می پردازیم وبعد از این دو مبحث به معرفی فرقه دموکرات آذربایجان خواهیم پرداخت.



فرمان دفتر سیاسی کمیته‌ی مرکزی اتحاد جماهیر شوروی

به میر(جعفر) باقراوف، دبیر کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست آذربایجان

درباره‌ی «اقدامات برای ایجاد جنبش تجزیه‌طلبی در آذربایجان جنوبی و دیگر استان‌های شمالی ایران»

۶ ژوئیه ۱۹۴۵ [۱۶ مرداد ۱۳۲۴] - به کلی سری - به رفیق باقراوف

اقدام‌ها برای ایجاد جنبش تجزیه‌طلبی در جنوب آذربایجان و دیگر استان‌های شمالی ایران.

...

۱- لازم است که اقدام‌های مقدماتی برای ایجاد منطقه‌ی خودمختار ملی آذربایجان با اختیارات گسترده در داخل کشور ایران آغاز گردد. هم‌زمان، جنبش‌های تجزیه‌طلبی جداگانه در استان‌های گیلان، مازندران، گرگان و خراسان ایجاد گردد؛

۲ - ایجاد یک حزب دموکرات در آذربایجان جنوبی، به نام «حزب دموکرات آذربایجان» [فرقه‌ی دموکرات آذربایجان]، با هدف راهنمایی [راهبری] جنبش تجزیه‌طلبی. ایجاد حزب دموکرات در آذربایجان جنوبی باید هم‌زمان با تجدید سازمان تشکیلات حزب توده‌ی ایران در آذربایجان جنوبی و ادغام آن و همه‌ی هواداران جنبش تجزیه‌طلبی از هر گروه [در فرقه دموکرات] انجام شود؛

۳ - در میان کردهای شمال ایران، اقدام‌های مقتضی برای جذب آنان به جنبش تجزیه‌طلبی مجزا، برای ایجاد منطقه‌ی خودمختار ملی کردستان، به عمل آید؛

برای دیدن ادامه نوشتار و دیدن تصاویر ناب این برهه زمانی و اسناد به ادامه نوشتار مراجعه کنید

۴ - استقرار یک گروه از کارگران مسؤول برای راهنمایی [راهبری] جنبش تجزیه‌طلبی و هم‌آهنگ کردن اقدام‌های آنان با سرکنسول اتحاد جماهیر شوروی در تبریز. نظارت عالی این گروه به باقراوف و یعقوب‌اوف سپرده شود؛

۵- مسؤولیت کارهای مقدماتی انتخابات آذربایجان جنوبی، برای پانزدهمین دوره‌ی قانون‌گذاری مجلس ایران، به عهده‌ی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست آذربایجان (باقراوف و ابراهیم‌اوف) گذارده می‌شود تا اطمینان حاصل گردد که انتخاب‌شوندگان از هواداران جنبش تجزیه‌طلبی بر پایه‌ی شعارهای [اصول] زیر هستند [...]؛

۶ - ایجاد گروه‌های رزمنده، مسلح به جنگ‌افزارهای ساخت خارج، با هدف فراهم آوردن امکان دفاع برای هواداران شوروی [و] فعالان جنبش تجزیه‌طلبی دموکراتیک و سازمان‌های حزب [فرقه‌ی دموکرات آذربایجان]. مسؤولیت این مهم به عهده‌ی رفیق [نیکلای] بولگانین، همراه با رفیق باقراوف، گذارده شود؛

۷ - ایجاد انجمن روابط فرهنگی ایران و جمهوری سوسیالیستی شوروی آذربایجان برای تقویت اقدام‌های فرهنگی و تبلیغاتی در آذربایجان جنوبی؛

۸ - برای جلب توده‌های وسیع به جنبش تجزیه‌طلبی، لازم می‌دانیم که «انجمن دوستداران آذربایجان شوروی» در تبریز و در تمامی نواحی آذربایجان جنوبی و گیلان تشکیل شود؛

۹ - کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی مأمور است که یک مجله‌ی مصور در باکو برای پخش در ایران و سه روزنامه در آذربایجان جنوبی ایجاد کند؛

۱۰- بنگاه انتشارات دولتی (Yudin) متعهد است که سه ماشین چاپ مسطح در اختیار کمیته‌ی حزب کمونیست آذربایجان قرار دهد تا برای ایجاد امکان چاپ (tipografskaya baza) برای حزب دموکرات آذربایجان جنوبی [فرقه‌ی

دموکرات آذربایجان] به کار گرفته شود؛

۱۱ - مسؤولیت تهیهی کاغذ خوب برای چاپ مجلهی مصوّر در باکو و همچنین سه روزنامه در آذربایجان جنوبی، به عهدهی Narkomvneshtorg [کمیسر خلق برای تجارت خارجی] (رفیق [آناستاس] میکویان) گذارده شود. جمع تیراژ کمتر از ۳۰۰۰۰ نسخه نباشد؛

۱۲ - به کمیساریای خلق برای امور داخلی جمهوری آذربایجان اجازه داده شود که زیر نظر رفیق باقراوف، برای کسانی که مأمور اجرای این اقدامات هستند، اجازهی رفت به ایران و بازگشت از ایران صادر گردد؛

۱۳ - برای تأمین هزینه‌های جنبش تجزیه‌طلبی در آذربایجان جنوبی و انتخابات پانزدهمین دورهی قانون‌گذاری مجلس، کمیتهی مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی، صندوق ویژه‌ای با اختصاص یک میلیون روبل ارز خارجی (برای تبدیل به تومان) ایجاد کند.

ششم ژوئیه ۱۹۴۵، دفتر سیاسی کمیتهی مرکزی

ARSPIHMDA, f. 1, s. 89, v. 4-5 :



تصویر دسته جمعی اعضای فرقه دموکرات. در میانه تصویر سید جعفر پیشه‌وری حضور دارد و در بالای سر جمعیت دو پیکره بزرگ از لنین و استالین، رهبران کمونیست شوروی سابق به چشم می‌خورد.

دستورالعمل محرمانه‌ی شوروی در مورد انجام مأموریت ویژه

در سراسر آذربایجان جنوبی (!) و استان‌های شمالی ایران

۱۴ ژوئیه ۱۹۴۵ [۲۴ مرداد ۱۳۲۴] - به کلی سری

۱. درباره‌ی ایجاد فرقه‌ی دموکرات آذربایجان:

۱- فوری ترتیب انتقال [سفر] پیشه‌وری و کامبخش [از رهبران حزب توده] را به باکو، برای انجام مذاکره، بدهید. بسته به نتیجه‌ی مذاکره، انتقال [صادق] پادگان، ریاست کمیته‌ی ناحیه‌ای حزب توده‌ی آذربایجان، را در نظر داشته باشید؛

۲- برای ایجاد کمیته‌های تشکیلاتی در مرکز (تبریز) و مناطق دیگر (na mestakh) نامزدهای مناسب از میان دموکرات‌های موجه از میان روشن‌فکران، بازرگانان طبقه‌ی متوسط، خرده‌مالکان و روحانیان، از میان احزاب مختلف دموکرات و همچنین از میان غیراعضا انتخاب و آنان را در کمیته‌های تشکیلاتی فرقه‌ی دموکرات آذربایجان وارد کنید.

بالاترین اولویت مربوط به کمیته‌ی تشکیلاتی تبریز است که وسیله‌ی نشریه‌های دموکرات موجود، مانند خاور نو، آذربایجان و جودت و بقیه، تقاضای ایجاد فرقه‌ی دموکرات آذربایجان را خواهند نمود؛

۳ - گروه‌های مؤسس در دیگر مناطق، با چاپ تقاضا در نشریه‌ها، خواستار حمایت از ایجاد کمیته‌های فرقه‌ی دموکرات از میان فعالان تشکیلات حزب توده و دیگر تشکیلات‌های دموکرات خواهند گردید.

اجازه ندهید که این امر، تنها محدود به تغییر نام حزب توده به حزب دموکرات آذربایجان گردد. به کمیته‌ی منطقه‌ای حزب توده‌ی تبریز و تشکیلات ناحیه‌ای آن توصیه کنید که تقاضای فرقه‌ی دموکرات آذربایجان را مورد بررسی قرار داده و تصمیم به انحلال تشکیلات حزب توده گرفته و اعضا را وارد فرقه‌ی دموکرات آذربایجان بنمایند. پس از ایجاد کمیته‌ی تشکیلاتی فرقه‌ی دموکرات آذربایجان در تبریز، بالاترین اولویت، ایجاد کمیته‌های تشکیلاتی فرقه‌ی دموکرات آذربایجان در شهرهای زیر است: اردبیل، رضائیه، خوی، میانه، زنجان، مراغه، مرند، ماکو، قزوین، رشت، پهلوی، ساری، شاخ Shakh [بندر شاه؟]، گرگان و مشهد. ایجاد یک ارگان مطبوعاتی در کمیته‌ی تشکیلاتی فرقه‌ی دموکرات آذربایجان در تبریز به نام «صدای [ندای؟] آذربایجان». ترتیب تهیه‌ی برنامه‌ها و منشور برای کمیته تشکیلاتی تبریز داده شود و [...]؛

AR SPIHMDA f.1, s.89, i.90, v.9

(برگرفته از: تاریخ تجزیه ایران، از ص ۳۳۱ تا ص ۳۳۶)

معرفی فرقه دموکرات آذربایجان

فرقه دموکرات آذربایجان (به ترکی: آذربایجان دموکرات فرقه‌سی) نام حزبی سیاسی است که در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ در تبریز با انتشار بیانیه‌ای ۱۲ ماده‌ای به زبانهای ترکی و فارسی به رهبری جعفر پیشه‌وری و همراهی چندین فعال سیاسی آذربایجانی دیگر تشکیل شد. اختیارات گسترده تر محلی از لحاظ اداری، تدریس زبان ترکی در مدارس در کنار زبان فارسی و اصلاحات ارضی و اقتصادی از جمله مهمترین خواسته‌هایی بود که در توضیح اهداف و خواسته‌های این تشکل جدید سیاسی عنوان شده بود. ماجرای تأسیس و نابودی حکومت خودمختار آذربایجان توسط فرقه به بحران ایران که یکی از سرآغازهای جنگ سرد بود معروف است. تأسیس این فرقه بر اساس تصمیم دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی انجام شد و فرقه مورد حمایت شوروی قرار داشت.

منبع:

Cottam, Richard W. 1964. Nationalism in Iran. : University of Pittsburgh Press.
pp.124-128.

متن حکم دفتر سیاسی به میر جعفر باقروف، ۴-۵، ll. ۹۰، d. ۸۹، op. 1، f. 1، Source: GAPPOD AzR،
Obtained by Jamil Hasanli.Crisis (متن انگلیسی)

فرناند شاید راینه fernande Scheid Raine، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۸، اردیبهشت ۸۶، صفحه ۱۷، به نقل
از آرشیو اسناد دولتی جمهوری آذربایجان
بیات، کاوه. «پیشه وری». در دانشنامه جهان اسلام.

سرانجام فرقه دموکرات آذربایجان

فرقه دموکرات آذربایجان با فرمان و دستور استالین، جهت تجزیه ایران تاسیس شد. در ۱۵ تیر ۱۳۲۴ (ششم ژوئیه ۱۹۴۵) دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی از باقروف خواست که برای سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان ایران و دیگر استان‌های شمالی ایران اقدامات لازم را بعمل آورد. اما حکومت دست‌نشانده شوروی پس از خروج سربازان شوروی متلاشی شد و عامه مردمان خواستار حکومت محلی وابسته با جدایی طلب نبودند. در این زمان حکومت فرقه آموزش به زبان فارسی را تعضیف کرد و زبان روسی را به عنوان زبان دوم معرفی کرد. حضور فرقه و دخالت بیگانگان و سیاسی شدن مسئله زبان تاثیراتی بر سیاست دولت مرکزی در رفتار با زبانهای محلی ایران گذاشت.

منبع:

متن حکم دفتر سیاسی به میر جعفر باقروف، ۴-۵، ll. ۹۰، d. ۸۹، op. 1، f. 1، Source: GAPPOD AzR،
Obtained by Jamil Hasanli.Crisis (متن انگلیسی)

فرناند شاید راینه fernande Scheid Raine، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۸، اردیبهشت ۸۶، صفحه ۱۷، به نقل
از آرشیو اسناد دولتی جمهوری آذربایجان

Swietochowski, Tadeusz 1989. «Islam and the Growth of National Identity in Soviet Azerbaijan», Kappeler, Andreas, Gerhard Simon, Georg Brunner eds. Muslim Communities Reemerge: Historical Perspective on Nationality, Politics, and Opposition in the Former Soviet Union and Yugoslavia. Durham: Duke University Press, pp. ۴۶-۶۰.

حمید احمدی- دولت مدرن و اقوام ایرانی: شالوده شکنی پارادایم-های رایج در کتاب دولت مدرن در ایران - به اهتمام: دکتر رسول افصلی- قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۶، چاپ اول

پایان جنگ و تأسیس حکومت

پس از متارکه جنگ با ژاپن در ۲ سپتامبر ۱۹۴۵، ایران به علاقه شوروی به جنبش آذربایجان و موارد تکراری دخالت در استان، اعتراض کرد و مورد بی اعتنائی شوروی قرار گرفت که فقط نامه مجددی در خصوص تقاضای امتیازات نفتی فرستاد. شورویها در پاییز در مناطق کلیدی تسلیحات توزیع کردند و در اکتبر و نوامبر از خیزشهای وسیع در سراسر استان حمایت کردند. وقتی بریتانیا و روسیه ایران را در ۱۹۴۱ اشغال کردند، بریتانیاییها مهمات ارتش ایران را در تهران به غنیمت گرفتند. وقتی شورویها نسبت به اسلحه‌های درون آن ابراز تمایل کردند، بریتانیاییها آن را بهشان دادند ولی شماره سریالشان را ضبط کردند. اسلحه‌های جمع آوری شده از فداییان در تبریز پس از سقوط جمهوری دموکرات تقریباً در همه موارد با آنهایی که به ارتش سرخ تحویل داده شده بود مطابقت می‌کرد. وقتی ژاندارمری ایران سعی کرد بر شورشیان تازه مسلح شده تسلط یابد شورویها ایجاد مشکل کردند و مجبورشان کردند کنار بروند. همه مسیرهای اصلی ورودی به استان تا ۱۹ نوامبر به تسخیر فرقه دموکرات درآمد؛ ارتباطات قطع شد و شورویها ۱۵۰۰ نیروی ایرانی را در قزوین متوقف کردند. تبریز تا ۱۰ دسامبر در دست فرقه دموکرات بود؛ کمی بعد یک مجمع ملی تازه افتتاح شده دولت خودمختار آذربایجان با پیشه وری به عنوان نخست وزیر را اعلام کرد. در ۱۵ دسامبر، قاضی محمد یک قاضی موروثی و رهبر مذهبی مهاباد جمهوری مهاباد را برپا کرد.

دلیل استالین برای حفظ حدوداً ۳۰۰۰۰ نیرو در آذربایجان پس از جنگ این بود که آنها به عنوان احتیاطی علیه اقدامات خرابکارانه و خصمانه عمل می‌کنند. او به احتمال قویتر از علایق امنیتی سوی جنوبیش حفاظت می‌کرد از مداخله انگلیسی-آمریکایی در آن چه احساس می‌کرد حوزه نفوذش است جلوگیری می‌کرد، و از فرصتهای فراوانی که اشغالگری به او می‌داد سوء استفاده می‌کرد با نگاهی به دولت تهران و شاید ایجاد شرایطی که در بلند مدت به شوروی به بندرهای آب گرم دسترسی بدهد. یک دولت دوست در آذربایجان و امتیازات نفتی هر دو وسیله‌ای بدین منظور بود.

درون آذربایجان، پیشه وری اهمیت تفاوت‌های طبقاتی را پایین آورد و بر نزاع گروهی تمرکز کرد و با پشتیبانی شوروی دو رفرم را آغاز کرد: بازتوزیع زمین در تملک غیر آذربایجانی (که در ۶۸۷ تا از بیش از ۷۰۰۰ روستا مصادره شد) و ملی سازی بانکهای بزرگتر. او همچنین شروع به کار در خصوص جاده‌ها کرد که شدیداً مورد نیاز بود، برای کارگران مقرری رفاهی ایجاد کرد و ترکی آذری را زبان رسمی آذربایجان اعلام کرد. این رفرمها -حداقل مقاصدی که آنها را برمی انگيخت- محبوب بودند، ولی دشواریهای اقتصادی (در درجه اول نتیجه آب و هوا و برداشت محصول بد) او را مجبور ساخت از کشاورزان و اربابان پول بیشتری از آن چه در نظام قدیمی مطالبه می‌شد طلب کند. آذربایجان با نیروی پلیسی که از آن کاوه ده شوروی الگو برداری شده بود، تبدیل به حکومتی پلیسی شد. حتی آنان که حکومت پیشه

وری برایشان مساعد بود، سوء استفاده او از قدرت را محکوم کردند.

در این بین ایران در ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶ خواستار تفحص در خصوص مداخله روسیه در امور داخلی ایران شد. در فوریه و مارس ۱۹۴۶ شورویها تلاش کردند به احمد قوام (قوام السلطنه) نخست وزیر فشار بیاورند تا خودمختاری فرقه دموکرات را به رسمیت بشناسند و به ایجاد یک شرکت نفتی ایرانی-شوروی تن در بدهد؛ آنان در تعارض با معاهده سه جانبه اعلام کردند تا نظم مستقر نشود و رویه خصمانه ایران خاتمه نیابد آذربایجان را تخلیه نخواهند کرد. تاریخ تعیین شده از سوی معاهده سه جانبه برای عقب نشینی همه قشون خارجی از ایران تا ۲ مارس سر رسید، قشون بریتانیایی و آمریکایی عقب نشینی نکردند ولی قشون شوروی نکرده بودند. در جریان سه هفته بعدی ۲۰۰ تانک و ۲۵۰۰ وسیله نقلیه سنگین تقویتی شوروی وارد تبریز شدند و در جنوب به سوی قزوین، غرب به سوی مرز ترکیه، و جنوب غربی به سوی مرز عراق مستقر شدند. تفسیرهای متفاوتی از استقرارهای بعدی می‌شود. انگیزه شوروی و حرکت‌هایشان که احتمال کودتا را نشان می‌دهد هرچه که بود، با دیپلماسی استادانه ایران و حمایت محکم آمریکا (برای قدرت نگرفتن شوروی) از پرونده ایران در سازمان ملل متحد خنثی شد. شورویها نهایتاً موافقت کردند عقب نشینی کنند ولی فقط پس از مباحثات مفصل در این خصوص در سازمان ملل و تعهد قوام به تصویب رساندن موافقتنامه استخراج نفت در شمال ایران ظرف هفت ماه.

افول و سقوط حکومت

در این حین، فرقه دموکرات هنوز در آذربایجان مستقر بود. گرچه بدون حضور شوروی اقتدار آن شروع به افول کرد. با وجود یک توافق با دولت مرکزی که به آذربایجان خودمختاری قابل توجهی می‌داد و به فرقه دموکرات اجازه می‌داد در قدرت کامل بماند، مذاکرات شکست خورد. تأثیرگذاری هم قوام و هم شاه در حل وضعیت در آذربایجان مهم بود و می‌تواند بدین شکل جمع‌بندی شود: رفتن شورویها نظامیان را قادر ساخت مخالفین حکومت تبریز را مسلح کنند؛ بلوایی توسط عشایر قشقایی و بختیاری دولت قوام را قادر ساخت اقتدار دولت مرکزی را بر همه ایران اعمال کند و به نظامیان دستور بدهد که آذربایجان برونند تا نظم را در جریان انتخابات (که فقط با حضور نیروهای امنیتی قادر به برگزاری بود) برقرار کنند. نیروهای ایرانی در مواجهه با تهدید شوروی و با حمایت غیررسمی ایالات متحده در شورای امنیت (ترس ایالات متحده از قدرت گرفتن شوروی این امر راسبب شد) در صورت بروز هرگونه مشکل، در ۹ دسامبر ۱۹۴۶ شروع به حرکت به سوی آذربایجان کردند. پیشه وری تا ۲۱ آذر ۱۳۲۵ / ۱۳ دسامبر ۱۹۴۶ به باکو گریخته بو و نیروهای ایرانی وارد تبریز شده بودند. قاضی محمد دو روز بعد تسلیم شدن مهاباد را اعلام کرد.

جمهوریها تقریباً یک سال پس از اعلام موجودیت شان فروپاشیدند. در این روند، چند صد شورشی کشته شدند، در حالی که حدوداً ۱۰۰۰ آذربایجانی و ۱۰۰۰۰ کرد تحت رهبری ملا مصطفی بارزانی به شوروی گریختند. ردیفهای اجساد تلوتلوخوران بر چوبه‌های دار در بسیاری از میدانهای آذربایجان و شمال کردستان ماهها یاداوران ترسناک این حکومتها بودند. یک روند پیچیده انتخاباتی در ایران که از ژانویه شروع شده بود در ژوئن ۱۹۴۷ پایان یافت. مجلس پانزدهم در ژوئیه افتتاح شد و به توافق بحث برانگیز نفتی با اتحاد شوروی رای نداد. سپس توافق با رای ۱۰۲ به ۲ رد شد و مسائل ناشی از اشغال آذربایجان توسط شوروی نهایتاً پایان یافت.



یکی از شماره‌های روزنامه آذربایجان، ارگان فرقه با تصویری از استالین، رهبر شوروی که در آن به ترکی نوشته است: نطق بزرگ رهبر بزرگ، کشوری بزرگ... در کشور همسایه و بزرگمان، اتحاد شوروی، انتخابات در حال برگزاری است... این انتخابات آزاد ترین انتخابات دنیا و بر اساس قانون اساسی است که استالین در سال ۱۹۳۶ به تصویب رسانده است...

برای اطلاعات بیشتر به این نوشتارها مراجعه کنید: (پیشنهاد می شود)

نوشتار شماره 1: اینجا کلیک کنید (پان ها و پان ترک ها)

نوشتار شماره 2: اینجا کلیک کنید (آذری یا ترک؟)

نوشتار شماره 3: اینجا کلیک کنید (آذربایجان و ماد خرد)

دریغ است که ایران شود کنام شیران و پلنگان شود

بگویید این جمله در گوش باد چو ایران نباشد تن من مباد

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «شوروی و فتنه جدایی آذربایجان از ایران»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1273/pdf/شوروی-و-جدایی-آذربایجان-از-ایران.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵